

چکیده مقاله های

همایش بین المللی « بزرگداشت عظامک جوینی و بازشناخت متن های تاریخی- ادبی نثر فارسی در دورهٔ پسامغولی » / ۲۱ آبان ۱۴۰۵- دانشگاه حکیم سبزواری

تحول راهبردهای اعتباربخشی در گذار از تاریخ‌نگاری پیشامغولی به پسامغولی؛ مطالعه تطبیقی تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا

سمیه اسدی

دانشگاه ولایت

تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی از مهم‌ترین متون تاریخ‌نگاری ادبی فارسی‌اند که در دو مقطع سرنوشت‌ساز تاریخ ایران، پیش و پس از یورش مغول، پدید آمده‌اند و بازتاب‌دهندهٔ دو افق متفاوت در نسبت میان روایت، حقیقت و قدرت‌اند. با وجود پژوهش‌های فراوان درباره ارزش تاریخی، ویژگی‌های ادبی و ساختار روایی این آثار، تحول راهبردهای اعتباربخشی در گذار از تاریخ‌نگاری پیشامغولی به پسامغولی تاکنون به‌صورت تطبیقی و بر پایه چارچوبی نظری منسجم بررسی نشده است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی ناشی از حمله مغول، چگونه منطق اعتباربخشی روایت تاریخی را دگرگون ساخته و این دگرگونی در ساختار گفتمانی دو متن چگونه بازتاب یافته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، با تلفیق نظریهٔ مشروعیت‌بخشی ون لیون و روایت‌شناسی تاریخی، تحول راهبردهای اعتباربخشی روایت و نسبت آن با مشروعیت قدرت را بررسی می‌کند. تحلیل متن نشان می‌دهد که در تاریخ بیهقی، اعتبار روایت عمدتاً از طریق اقتدار معرفتی راوی، ارجاع به مشاهده مستقیم یا شاهدان، نقل دقیق گفتارها، تصریح به حدود آگاهی، بازنمایی چندصدایی وقایع و پرهیز از داوری‌های شتاب‌زده بر ساخته می‌شود؛ راهبردهایی که اعتماد مخاطب به صدق روایت را تقویت می‌کنند. در مقابل، تاریخ جهانگشا ضمن حفظ بخشی از این مؤلفه‌ها، از راهبردهای مشروعیت‌بخش دیگری همچون ارجاع به مشیت الهی، عقلانی‌سازی ضرورت قدرت، ارزیابی اخلاقی کنش‌های سیاسی، برجسته‌سازی کارکرد نظم و روایت‌پردازی درباره بحران و رهایی بهره می‌گیرد تا اقتدار سیاسی را در قالب نظامی مشروع و پذیرفتنی بازنمایی کند. پژوهش نشان می‌دهد که تحول میان این دو متن، صرفاً تحول در سبک یا زبان تاریخ‌نگاری



چکیده مقاله های

همایش بین المللی « بزرگداشت عظامک جوینی و بازشناخت متن های تاریخی - ادبی نثر فارسی در دورهٔ
پسامغولی » / ۲۶ آبان ۱۴۰۵ - دانشگاه حکیم سبزواری

نیست، بلکه بیانگر دگرگونی در منطق اعتباربخشی روایت تاریخی است؛ به گونه ای که در تاریخ بیهقی، اعتباربخشی عمدتاً بر تولید اعتماد به روایت استوار است، حال آنکه در تاریخ جهانگشا، اعتبار روایت با اعتبار قدرت پیوند می یابد و سازوکارهای اقناع در خدمت بازنمایی و مشروعیت بخشی به نظم سیاسی نیز قرار می گیرند. از این منظر، پژوهش حاضر با ارائه الگویی نظری برای تحلیل تحول راهبردهای اعتباربخشی، نشان می دهد که دگرگونی های سیاسی و تمدنی، افزون بر محتوای تاریخ، شیوه تولید اعتبار، اقناع و نسبت میان حقیقت و قدرت را نیز در سنت تاریخ نگاری فارسی متحول ساخته اند.

واژه های کلیدی: تاریخ نگاری فارسی، تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشا، اعتباربخشی، مشروعیت، روایت شناسی، تحلیل گفتمان